

نقش شعر سیاسی

علی محمود طه در اندیشه پایداری

محور: جریانات فکری و فرهنگی تأثیرگذار بر ادبیات پایداری

دکتر اکرم روشنفکر (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان)

Dr. Akram Roshanfekar (Assistant Professor and Faculty Member of Gilan university)

زهرا صفرپور (دانش آموخته کارشناسی ارشد)

رشت - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه زبان و ادبیات عرب

Saneh210@yahoo.com

تماس 09123780693 | نمابر 01316690577

چکیده

پایداری به عنوان اندیشه ای با اصالت از جمله مضامینی است که در رویکرد شاعران معاصر رخ نموده و در ادبیات ملل مختلف بویژه ادبیات عربی مورد توجه قرار گرفته است. سابقه ی پرداختن به مضامین پایداری در اشعار عربی در نیمه نخست قرن بیستم به سروده هایی می رسد که شاعران شان با توجه به آسیب های ناشی از جنگ جهانی اول در مورد مسایل سیاسی کشورشان و حوادث بد شگون خاورمیانه ی عربی سخن گفته اند. در همین راستا باید از اشعار علی محمود طه یاد کرد.

وی در 1903م در دلتای مصر متولد شد و تا سال 1949م که دیده از جهان فرو بست، شاهد دو جنگ خانمان سوز اول و دوم و پیامد شوم شان در خاورمیانه ی عربی بود که در برپایی کیان صهیونیستی رخ نمود. هرچند این شاعر تنها یک سال پس از آن رویداد نامیمون در قید حیات بود، اما نیرنگ سیاست تحت الحمایگی فلسطین را به درستی شناخت و در اشعارش بدان پرداخت.

این مقاله درصدد بررسی شعر سیاسی علی محمود طه است تا مضامین هماهنگش را با شعر پایداری عربی که در 1967م ظهور نمود، بیان دارد. روش کار پژوهش توصیفی- تحلیلی است و مهمترین نتیجه آن وجود وطن پرستی، دمیدن روحیه ی مبارزه و ضرورت رویارویی با اشغالگری است که پس از علی محمود طه از جمله مضامین مورد اعتناء شاعران پایداری گردیده است.

واژگان کلیدی: شعر سیاسی، شعر پایداری، علی محمود طه

1- مقدمه

عصر حاضر شاهد دگرگونی هایی در روش زندگی ملل مختلف بوده که با ظهور تکنولوژی همراه شد و باعث بهبود شرایط عمومی زندگی مردم گردید، اما نابسندگی تلقی انسان دوستی معاصر دو جنگ بزرگ را که ره آورد پیشرفت مغرب زمین در صنعت بود، به ارمغان آورد. جنگ جهانی اول که به مدت 4 سال طول کشید، کوتاه تر از جنگ جهانی دوم بود، اما به سبب انتشار در جغرافیایی وسیعتر از جنگ دوم که از 1939م تا 1945م دوام یافت، نزد تحلیل گران سیاست بین الملل جنگ بزرگ (الحرب العظمی) نامیده شده است.

درواقع این نام گذاری متناسب با فاجعه ی بزرگ تأسیس کیان صهیونیستی (1948م) که پیامد آن جنگ شوم در خاورمیانه ی عربی بوده، نیز هست. (جرار، 1995م/11) از آن رو که غرب با دامن زدن به شعارهای جدایی طلبی و استقلال خواهی ملل تحت حکومت عثمانیان زمینه ی اجتماعی تجزیه ی دولت اسلامی را فراهم آورد (شوفانی، 1998م/295) و در پی جنگ جهانی اول و شکست ترکان عثمانی در جبهه های گشوده شده، در صد تقسیم غنایم کلان جنگ یعنی بدست آوردن حق حاکمیت بر سرزمین های بجا مانده از عقب نشینی نیروهای عثمانی، برآمد.

1-1- بیان مسأله

کشورهای غربی که پس از جنگ بخش عمده ی سواحل مدیترانه را در جنوب و شرق آن دریا بدون وارث یافتند، نیرنگ تحت الحمایگی ساز کرده و با داعیه ی مساعدت برای استقلال سیاسی ملت های بجا مانده از امپراطوری عثمانی، به غارت منابع اقتصادی و محکم کردن پایه های نفوذشان در آن مناطق پرداختند و از داعیه داران محلی برای اقدامات استعماری خود بهره جستند. (لوتسکی، 1379ش/339)

آن کشورها تلاش های خود را به کمک مبلغان مذهبی و تأسیس مدارس و مؤسسات خیریه، جهت پذیرش فرهنگی ملل شرق دریای مدیترانه در قرن 19م سامان دادند و زمینه ی مهاجرت یهودیان را به سواحل شام فراهم

آوردند (شوفانی /299) و سپس در دوران تحت الحمایگی فلسطین توسط انگلستان (1920م- 1948م) به کوچ یهودیان اقصی نقاط عالم شتاب بخشیدند. (لوتسکی /109)

البته شتاب مهاجرت یهودیان از گوشه و کنار عالم به فلسطین با اقدامات خصمانه ای علیه فلسطینیان همراه گردید و عکس العمل هایی را از جنس مقاومت همراه آورد که نمونه هایی از آن در اشعار سیاسی علی محمود طه در نیمه اول قرن بیستم دیده می شود. از همین رو پژوهش حاضر با طرح سؤال درباره ی روش پرداختن علی محمود طه به قضیه ی اشغال فلسطین در اشعار سیاسی اش، در صدد بیان افکار شاعر به روش توصیفی- تحلیلی در راستای پایداری در بازه ی زمانی پس از جنگ اول بر آمده است.

1-2- ضرورت و اهمیت تحقیق

ادبیات فلسطین از زمان اشغال کشور تاکنون 3 مرحله را پشت سر نهاده است. مرحله نخست مواجهه با قضیه ی اشغال بوده که کلیه ی دستاوردهای ادبی آن زمان به سبب برپایی دولت اشغالگر در ماه مه 1948م هماهنگ با تعبیر فلسطینیان از آن به عنوان روز نکبت، «ادبیات نکبت» نامیده شده و شامل آثاری است که به بیان آن مصیبت بزرگ و رنج و آوارگی و روزگار سیاه فلسطینیان می پردازد. مرحله دوم پس از شکست در جنگ دوم اسرائیل با ارتش عرب در 1956م بوده که آثار ادبی آن زمان «ادبیات نکسه» (سرشکستگی) نام دارد و مرحله سوم شکل گیری مضامینی از جنس پایداری در آثاری است که پس از 1967م پدید آمدند و «ادبیات مقاومت» فلسطین را تحقق بخشیدند. (کنفانی، 1986م/10)

با این حال نظر به شکل گیری روند قوم گرایی عربی در نیمه اول قرن 20م و سرنوشت کمابیش مشترک مناطق تازه استقلال یافته از امپراطوری عثمانی در شامات و مصر، اشعار سیاسی آن زمان دارای مضامینی است که نه تنها شیوه های استعمار نو را در مصر، سوریه، لبنان، فلسطین بیان می کند، بلکه از جانفشانی مبارزانی سخن می گوید که در برابر قضیه اشغال فلسطین پایداری نمودند. به نظر می رسد این اشعار بستر نخست ادبیات

پایداری فلسطین را فراهم آوردند که نمونه ی آن را می توان در سروده های شاعر مصری « علی محمود طه » جستجو کرد.

1-3- پیشینه تحقیق

شایسته است برای ذکر پیشینه ی پژوهش حاضر به عناوین مقالاتی که درباره ی شاعر نوشته شده، به نحو ذیل اشاره شود: «علی محمود طه: الشاعر والانسان» اثر انور المعداوی؛ «علی محمود طه حیاتة وشعره» اثر السید تقی الدین؛ «الملاح التائه علی محمود طه» اثر محمد رضوان. همچنین خاطر نشان می سازد که پایان نامه ی خانم شهرزاد امیر سلیمانی با عنوان «الرومانسیه فی شعر علی محمود طه» به راهنمایی دکتر رقیه رستم پور در 1388 ش در دانشگاه الزهراء تهران دفاع شد.

2- بحث

1-2- معرفی علی محمود طه و دفتر شعر «اصداء من الغرب»

علی محمود طه در 1903م شهر منصوره مصر زاده شد. (الفاخوری، بی تا/ 627) او پس از فراگیری قرآن کریم و آموزش ابتدایی به مدرسه ی فنون راه یافت و در 1924م رشته ی عمران را به اتمام رسانید و در زادگاهش و شهرهای اطراف مشغول به کار شد. وی سپس عهده دار برخی از کارهای دولتی گردید و در دهه ی 30م سفرهایی به کشورهای اروپایی داشت. نخستین دفتر شعر وی با عنوان «الملاح التائه» نقد رومانیتیک را متوجه اشعارش ساخت و از این رو بسیاری از ناقدان ادبیات او را در شمار شاعران رومانیتیک قرار داده اند. (هداره، 1994م/31) اما پوشه ی کارهای ادبی او در انجمن آپولو (1933م) و کنار بزرگان ادبیات معاصر مصر از جمله احمد شوقی (1868 – 1932م) و سپری کردن ایام جوانی پس از جنگ جهانی اول (1914 – 1918م) که هنگامه ی ظهور واقع گرایی بود، (شکیب انصاری، 1384ش/ 263) بر گرایش صرفا رومانیتیک شاعر تردید وارد می سازد و او را از

اتهام پرداختن به کلمات زیبا و عبارت های آهنگین و به تعبیر برخی از اهل قلم ادبیات عربی «نظم اشعار سراب گونه» میرا می سازد. (ضیف 1959م/207)

از سوی دیگر اشعار سیاسی بجا مانده از علی محمود طه در دفتر شعری اش با عنوان «اصداء من الغرب» به ایده ی واقع گرایی شاعر قوت می بخشد. از آن جا که وی در آن دفتر شعر، عنوانی با نام «اصوات من الشرق» گشوده و 15 قصیده را ذیل آن فراهم آورده که به سیاست های غرب در کشورهای مسلمان پرداخته است. او در 4 قصیده اش از رویدادهای ناگواری که در روزگارش در فلسطین جریان داشت، یاد می کند.

2-2- بیان مشکلات وارده بر ساکنان اصلی فلسطین در اثر جنگ افروزی غرب در قصیده ی «الی ابناء الشرق»

یکی از عوامل مؤثر در سست شدن حکومت عثمانیان جنبش پان ترکیسم بود که حاکمان ترک با گمان موفقیتش از آن حمایت کردند و در پی تمایل به ترکی نمودن هویت ملل تحت حاکمیت شان به جریان رو به رشد ملی گرایی اقوام گوناگون سرزمین های مسلمان نشین که از سوی محافل غربی حمایت می شد، یاری رساندند. در همین راستا جنبش پان عربیسم با شعار وحدت کشورهای عربی تحت لوای قوم عرب شکل گرفت و انجمن هایی صنفی و احزابی سیاسی عربی مانند «جمعیه الاخاء العربی العثمانی؛ الجمعیه القحطانیه؛ الجمعیه العربیه الفتاه؛ جمعیه حقوق المله العربیه» و... پدیدار شدند. (ابو حاقه، 1979م/127)

ایده ی حاکم بر قوم گرایی عربی وحدت سیاسی ملل عرب تبار بود که با توجه به وجود شهروندان غیر مسلمان در مناطق مسلمان نشین امپراطوری عثمانی مانند جنبش اسلام گرایی معاصر اعوان و انصار بسیار یافت؛ بلکه گروهی چشمگیر از خردورزان عرب تبار مسلمان نیز در زمره ی آن قرار گرفتند و تفسیری عربی از قضایای سیاسی شرق عربی ارائه نمودند و اشغال فلسطین را به معنای تاراج بخشی از دیار عرب شمردند.

از همین رو علی محمود طه نیز با درنگ بر قوت جریان فکری عرب گرایی قصیده ی «الی ابناء الشرق» را به نظم کشید و در آن با دعوت از فرهیختگان و شجاعان عرب تبار به موضوعاتی شایان ذکر اشاره نمود. او چنان که

در آخرین ابیات اشاره نموده، (طه، 2001م/377) با آن که در بستر بیماری بود، فریاد برآورده و شرق را به تکلیفش واقف می سازد و توان آن را در اعتناء به قضایای ساکنان عرب تبار فلسطین و شمال آفریقا به مبارزه می خواند.

شاعر در بیت نخست سروده ی 55 بیتی اش، فرزندان مشرق زمین را از خیال پردازی نهی کرده و به حق جویی و مبارزه فرا می خواند و می گوید:

دُعُوها منىٰ و اترکُوها خيالاً فما يعرف الحقُّ الا النضالا(همان / 377)

او سپس درباره ی وعده هایی که استعمارگران از چپ و راست در گوش ملل شرق می خوانند، تردید کرده و سکوت و دم بر نیاوردن را کار حکیمانه ای نمی شمرد. علی محمود آنگاه از مظاهر تمدن غرب و پیشرفت های علمی آن دیار یاد کرده و شکوه و شکایت اهل شرق را با ذکر افتخارات تبار عربی، به چالش می کشد. او در ادامه به همیاری ملل شرقی با داعیه داران آزادی پرداخته و با اشاره به وعده ی بی اساس حق تعیین سرنوشت ملت ها، به اشغال فلسطین توسط ایادی استعمار راه می برد و می گوید:

وعدتَ الشعوبَ بحقِّ المصيرِ فما لكَ تقضىٰ و تُملیٰ ارتجالا

ترجمه: حق انتخاب سرنوشت را به ملت ها وعده می دهی، پس چه شده که حکم می کنی و بدیهه می نگاری؟

أليست لهم ارضهم حرهً يسودون فيها الدهور الطوالا؟

ترجمه: آیا سرزمین شان برای شان آزاد نیست که در آن روزگار طولانی سیادت و حکومت کنند؟

فلسطینُ ما لی أری جرحها یسیلُ و یابی الغداه اندمالا(همان / 378)

ترجمه: ای فلسطین مرا چه شده که زخم را می بینم که خونش جاری است و از بهبود یافتن خودداری می کند.

علی محمود طه سرگشتگی سیاست مابان و میل مفرط آنان را باعث بی سرانجام بودن قضیه ی رویارویی با اشغالگران دانسته و سپس به جایگاه فلسطین در جهان اسلام اشاره می کند و آن را شاهراه مشرق زمین شمرده که همواره مورد توجه اصحاب ادیان مختلف بود و در این هنگام مانند سرزمین های تحت اشغال شمال آفریقا اسیر

جنگ و دچار آتش دشمنی گردیده است. او آنگاه با اشاره به ضعف دشمن، دغدغه ی استعمار را که باعث جنگ افروزی اش در بلاد اسلامی گردیده، خاطر نشان می سازد:

و ما لكَ تَنسِي عَلِي الْأَمْسِ يَوْمًا بِه كَادَ مُلْكُكَ يَلْقَى زَوَالًا

ترجمه: تو را چه شده که روزی را در گذشته از یاد برده ای که نزدیک بود فرمانروایی و پادشاهی ات رو به زوال
نهد.

و تَرْمِي بَلْبَانَ حَرْبًا سِجَالًا فَتَقْدِفُ بِالنَّارِ سُورِيَةً

ترجمه: آتش جنگ را بر سوریه می افکنی و در لبنان جنگ رقابت راه می اندازی.

شاعر سپس دلاوران مشرق زمین را به دفاع از آب و خاک شان فرا خوانده و می گوید:

بَنِي الشَّرْقِ كُونُوا لِأَوْطَانِكُمْ قَوِيَّ تَتَحَدَّى الْهَوَى وَ الضَّلَالَا

ترجمه: ای فرزندان مشرق زمین! نیروهایی برای سرزمین های تان باشید که با امیال نفسانی و گمراهی ها مبارزه
می کند .

أَقِيمُوا صُدُورَكُمْ لِلْخُطُوبِ فَمَا شَطَّ طَالِبُ حَقٍّ وَ غَالِي (همان / 380)

ترجمه: سینه های تان را برای حوادث و مصائب بزرگ راست کنید که جوینده ی حق هیچگاه از حد فراتر نمی
رود.

باید دانست که قضیه ی اشغال فلسطین با مهاجرت یهودیان از گوشه و کنار عالم بدان سرزمین از روزگار
عثمانیان در قرن 19م، پس از کنفرانس بازل سوئیس (1897م)، آغاز گردید و روندش برخلاف تدابیر مقطعی
حاکمان مسلمان سست نشد (شوفانی / 299؛ جرار، 1992م/10)؛ بلکه به بهانه ی ستم بر یهودیان اروپای شرقی
و با فروش زمین رعیت در نظام ارباب – رعیتی عثمانیان به یهودیان نو رسیده و پراکندگی پایداری در برابر
متجاوزان ادامه یافت و در پی فرو پاشی امپراطوری عثمانی با مصادره زمین های زیادی به بهانه ی قرار گرفتن در
پروژه حکومت تحت الحمایه انگلستان، شدت گرفت. آن قضیه با تخریب کومه های روستاییان و ویرانی مزارع و

کشتار مردم و کوچاندن باقیمانده آنان به آن سوی مرزهای فلسطین صورت دیگری یافت و سرانجام قطعنامه تقسیم فلسطین در (1947/11/29) صادر گردید. (جرار، 1995م/197)

این موضوع بر علی محمود طه گران آمد. چنان که وی در قصیده ی یاد شده، ضمن پرداختن به دست اندازی های غرب استعمارگر بر کشورهای خاورمیانه (عراق- سوریه- لبنان- شبه جزیره) و شمال آفریقا (تونس- مرکش)، به وعده های توخالی و فاجعه آفرینی اش باکشتار بیرحمانه در فلسطین راه برده و روحیه ی شرقی و عصبیت عربی را به رویارویی با شمشیر آخته ی استعمار خوانده است.

3-2- ذکر سیاست های بدشگون دولت های استعمارگر در نادیده گرفتن حق مردم فلسطین در قصیده

«یوم فلسطین»

حقیقت آن است که چشمداشت یهودیان به شرق دریای مدیترانه تا کرانه ی رود اردن برای برپایی وطن نژادپرستان صهیونیست از قرن 19م در محافل پنهان و آشکارشان ذکر می شد و از همین رو لرد بالفور وزیر امور خارجه وقت انگلستان در گرماگرم جنگ جهانی اول (نوامبر 1917م) طی نامه ای که به لرد روچیلد صهیونیست نوشت، به صراحت فلسطین را وجه المصالحه ی کمک های اقتصادی یهودیان در برابر پیشرفت جنگ قرار داد. (شوفانی/341)

به همین سبب شاعر در 31 بیت این قصیده به فلسطین که اسیر نیرنگ استعمار گشته، می پردازد و باننتشارش در دوم نوامبر 1945م (روزی که اغلب کشورهای عربی در محکومیت اعلامیه ی بالفور، آن را عزای عمومی و روز فلسطین اعلام کرده بودند)، به موضوعاتی اشاره می کند که واسطه العقد آنان قضیه ی فلسطین است.

علی محمود با استفاده از صنعت تشخیص شعرش را با خطاب به فلسطین آغاز کرده و به منظور تسلاهی خاطر این دیار به خون نشسته از سوارکاران و فداکارانی عرب تبار که سابقه ی فتحش را نیز دارند، یاد کرده و روحیه ی شرقی را که در برابر مصیبت وارده آرام نخواهد ماند، خاطر نشان می سازد. آنگاه از ستم تجزیه ی سرزمین و تصمیم جامعه ی ملل برای تقسیم دیار فلسطینیان و سپردن خاک کشور به آوارگان بی نام و نشان صهیونیست

سخن می گوید و وعده ی ظالمانه ی بالفور را که در راستای رویای صهیونیست ها باعث ایجاد فتنه و کشتار مردم سرزمین اشغال شده گردید، نفرین می نماید و می گوید:

محا الله وعداً خطئه الظلم لم يكن
سوى حلمٍ من عالمٍ الوهمِ ختالٍ

ترجمه: خداوند پیمانی را که ظلم و ستم مکتوبش کرد، نابود کند. همان که جز رویایی مکارانه از عالم اوهام و خیالات نبود.

حَمَتُهُ الْقَنَا كَيْمَا يَكُونُ حَقِيقَةً
فَكَانَ نَذِيرًا مِنْ خَطُوبٍ وَ اِهْوَالٍ

ترجمه: نیزه ها از وی حمایت کردند تا تحقق یابد. پس بیم دهنده ی حوادث دشوار و مصیبت های بزرگ گردید.

و فَتَحَ بَيْنَ الْقَوْمِ ابْوَابَ فَتْنِهِ
تُطَلُّ بِأَحْدَاثٍ وَ تُومَى بِأَوْجَالٍ

ترجمه: و میان مردم درهای فتنه و آشوبی را گشود که مشرف بر حوادث و مصائب شده و به هراس و دلهره اشاره می کنند.

ارادَ لِيَمْحُوَ آيَةَ اللَّهِ مَثَلَمَا
ارادَ لِيَمْحُوَ اللَّيْلُ نَوْرَ الضُّحَى الْعَالِي (طه/ 382)

ترجمه: خواست تا نشانه ی خدا را نابود کند، همانگونه که شب بخواهد نور چاشتگاه و بلند روز را محو کند. شاعر سپس به فریبکاری و دغلبازی استعمار در وعده ی احقاق حقوق ملل رها شده از ستم عثمانی راه برده و با نهی غرب از وعده های پوچ از ساده باوری ملت عرب که باعث تاراج شرق گردید، یاد می کند و می گوید:

سَمِعْنَا خُدَّ عَنَا وَ انْتَهَبْنَا فَحَسْبُنَا
لَقَدْ مَلَّتِ الْأَسْمَاعُ قَيْثَارَكَ الْبَالِي

ترجمه: شنیدیم و فریب خوردیم و غارت شدیم. پس برای ما بس است. به حقیقت که گوش ها از نوای گیتار کهنه ات خسته و ملول گشته است.

و يَا أَيُّهَا الْغَرْبُ الْمَوَاعِدُ لَا تَزِدْ
كُفَى الشَّرْقِ زَادًا مِنْ وَعْدٍ وَ أَقْوَالٍ

ترجمه: ای غرب وعده دهنده ! افزون نساز. توشه ای از وعده ها و قول هایت برای شرق کافی است.

شَبَعْنَا وَ جَعْنَا مِنْ خِيَالٍ مَنْمِقٍ
وَ مِنْهُ اِكْتَسَيْنَا ثُمَّ عَدْنَا بِاسْمَالٍ

ترجمه: سیر شدیم و گرسنه خیال مزین و آراسته گشتیم و از آن پوشیدیم و سپس به جامعه های کهنه و فرسوده بازگشتیم.

فلا تندب الضَّعی و تَغصِبِ حقوقهم فتلک إذا کانت شریعه اَدغال (همان / 383)

ترجمه: پس بر ضعیفان ناله و زاری نکن، درحالی که حقوق شان را غصب می کنی. آن اگر باشد، قانون جنگل است.

باید دانست که اولین ناحیه ی مهاجرنشین در فلسطین با حضور گروهی از یهودیان روسی الاصل در 1889م در نزدیکی یافا تشکیل شد و در 1908م آژانسی صهیونیستی درصدد اسکان مهاجرانی که از سوی انجمن ها و سازمان های مختلف صهیونیستی به فلسطین اعزام می شدند، تأسیس گردید و به این ترتیب بین سال های 1882م تا 1914م چهل و پنج هزار یهودی وارد فلسطین گردید. سپس انگلستان در 1917م برای جداسازی فلسطین از طرح تقسیم کشورهای بجا مانده از فروپاشی امپراطوری عثمانی مذاکراتی با رهبران صهیونیست انجام داد و در پی کسب توافق نظر اعلامیه ی بالفور را صادر نمود که مشعر بدین معنا بود: «دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس با تأسیس وطنی ملی برای یهودیان در فلسطین نظر موافق دارد و نهایت کوشش خود را برای نیل به این هدف مبذول خواهد داشت.» اعلامیه ی بالفور بلافاصله مورد حمایت آمریکا که برای موفقیت مذاکرات انگلستان و صهیونیست ها تلاش می کرد، قرار گرفت و کشورهای فرانسه و ایتالیا نیز بدان اعلامیه پیوستند. (لوتسکی / 335)

4-2- دعوت به مقاومت با فراخوانی وطن پرستان عرب در قصیده «من الاعماق»

علی محمود طه این قصیده را به مناسبت ورود مفتی اعظم فلسطین به مصر در 20 ژوئن سال 1946م سرود. امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین از دست استعمار پیر به مصر پناهنده شد و ملک فاروق به وی امان داد و ورودش را گرمی داشت و آزادش نهاد تا در مصر بسر برد. اما این خبر باعث تنش در محافل سیاسی انگلستان گردید. از آن رو که نظامیان انگلیسی از اقامت مفتی فلسطین در وطنش جلوگیری می کردند و او در طول جنگ جهانی دوم (1939-1945م) تحت تعقیب نیروهای استعمارگر بود.

شاعر در این قصیده 28 بیتی، از آغوش باز مصر برای پذیرش مردی مبارز سخن گفته و از عادت پناه دادن مردم عرب تبار به نیکی یاد می کند و سپس به اخبار ناگوار فلسطین اشاره نموده و صدای رسای مفتی اش را می ستاید که با اشغالگری غاصبان وطنش روبرو می شود و تا پای خون پیش می رود. چنان که می گوید:

قد أقسمت لاینالُ الدَّارَ مَغْتَصِبٌ حَتَّىٰ وَ إِن شَرِقتِ بالنَّارِ اَعْلَامُ

ترجمه: سوگند یاد کرد که پای هیچ متجاوزی به خانه نمی رسد، حتی اگر پرچم هایی برای نبرد بالا روند.

فِي اللَّهِ ، فِي الْحَقِّ فِي الْاِسْلَامِ كُلِّ دَمٍ يَسِيلُ فِيهَا وَ جُرْحِ لَيْسَ يَلْتَامُ(طه/384)

ترجمه: هر خونی که در آن جاری می شود و هر زخمی که بهبود نمی یابد، در راه خدا، حق و اسلام است.

در واقع از نظر علی محمود طه خداجویی و حق طلبی و مسلمانی هر مبارزی را مانند مفتی فلسطین بر آن می دارد که چشم بیدار داشته و چشمداشت بیگانگان را در فلسطین رصد کند و به تخطئه ی دشمن و استدلال نافرجامش برای محکوم نمودن دفاع از فلسطین وقعی ننهد. چنان که می گوید:

ظَنُّوكَ أَقْصِيَتَ عَنْهَا فَهِيَ نَائِمَةٌ وَ كَيْفَ ! هَلْ فِي رُبُوعِ الْقَدْسِ نَوَامٌ!

ترجمه: گمان بردند که تو از آن (فلسطین) دور شدی، در حالی که در خواب بود. چطور ممکن است! آیا خواب زده ای در تپه های قدس وجود دارد!

وَ تَلَكَّ اطْمَاعُهُمْ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ السَّيْفُ مِنْهُنَّ فَوْقَ الْخَلْقِ قَوَامٌ

ترجمه: آن چشمداشت و آزمندی آنان در هر ناحیه ای است. حال آن که شمشیر از آن ها بر مردم برپاست.

قَالُوا غَدْرَتَ وَ لَمْ أَفْهَمَ لِمَنْطِقِهِمْ حَكْمًا وَ لَكِنَّمَا لِلْقَوْمِ أَحْكَامُ

ترجمه: گفتند؛ تو حيله و مکر نمودی، در حالی که من حکم سخن شان را نفهمیدم، حال آن که مردم احکامی دارند.

أ فِي دَفَاعِكَ عَنْ أَهْلِ و عَنْ وَطَنِ غَدْرٌ ؟ إِذْنَ فَجِهَادُ الظُّلْمِ إِجْرَامُ!

ترجمه: آیا مکر و حيله ای در دفاع و حمایت از مردم و سرزمین است ؟ پس مبارزه با ظلم جرم است!

شاعر در ادامه از تبار عربی به نیکی یاد کرده و جهاد برحق فدایی وطن را الهام بخش رادمردان دانسته و می

گوید:

و انتَ أيتها الفادی عربوتَه إسلم فديتكَ لا غبنٌ و لا دَامُ

ترجمه: و تو ای فداکار عرب! قربانی خود را تسلیم کن که هیچ نقص و عیبی ندارد.

جهدك الحقّ مظلوماً و مغترباً وحيٌ لكلّ فتى حرّاً و الهامٌ (همان/385)

ترجمه: مبارزه ی بر حقت غریبانه و مظلومانه وحی و الهامی برای هر جوان آزاده است.

پیشتر بیان شد که ملی گرایی عربی پدیده ی نوظهور آغاز قرن بیستم بوده که در پی ضعف و کاستی های حکومت عثمانی داعیه دار آزادی سرزمین های عربی گردید و مهمترین اهداف آن در سال های بین جنگ جهانی اول و دوم کسب استقلال کشورهای تحت الحمایه و تأیید پایداری انقلابی های فلسطین در رویارویی با مهاجرت یهودیان و خرید زمین و راندن ساکنان عرب تبار از فلسطین بود که در کنفرانس قاهره (1938م) اعلام گردید. (ابو حاقه/173)

البته ملی گرایی عربی نرم نرم سوی اردوگاه شرق تمایل یافت و از آن جا که ایالات متحده از جنبش صهیونیسم حمایت می نمود، فرهیختگان عرب تبار برآن شدند تا حمایت تسلیحاتی بلوک شرق را کسب نمایند و در نتیجه اندیشه ی ملی گرایی عربی با سوسیالیسم در آمیخت و تلقی وحدت شرق عربی در اذهان ریشه دواند تا بدان وسیله توانایی رویارویی با دست اندازی های غرب به کشورهای عربی فراهم آید.

5-2- تحریک روحیه ی شرقی در برابر اشغال فلسطین و کشتار مردم در قصیده ی «عوده المحارب»

شاعر این قصیده را در ستایش قهرمانی عرب تبار به نام فوزی قاوقجی سروده است. وی پس از بیست سال نبرد در مرزهای سوریه و فلسطین و عراق و صحرای حجاز علیه استعمارگران انگلیسی و فرانسوی و مزدوران صهیونیست شان از چنگ آنان گریخته و در راه سوریه وارد مصر گردید و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

علی محمود قصیده اش را با ستایش روحیه ی شرقی که دلآوری و شهامت را با خود دارد، آغاز کرده و در طول 61 بیت به سرنوشت پر نشیب و فراز قهرمان عربی که تا پای جان بر نبرد با ستم ایستاد، می پردازد و از جنگ هایی یاد می کند که در سرزمین های اسلامی افروخته گشت و خانمان فلسطین را بر باد داد. چنان که می گوید:

فلسطینُ الشَّهِيدَةُ فِي دُجَاهُ مَفزَعُهُ الْخَوَاطِرُ مُسْتَضَامَهُ

ترجمه: فلسطین شهید در تاریکی اش با اندیشه ی وحشتزده مورد بی عدالتی و ظلم و ستم است.

أَقَامَ الْمُسْتَبَدُّ عَلَى حَمَاهَا فَعَاثَ بِهَا وَأَفْرَدَهَا طَغَامَهُ

ترجمه: دیکتاتور بر اطراف و اکنافش مقیم گشته و فساد کرده و آراذل و اوباش را بدان اختصاص داده است. او آنگاه از جماعتی آواره و دربدر سخن به میان می آورد که با حيله ی استعمار و رفتار پلیدش به فلسطین آمدند و با کشتار مردم، سرزمین را اشغال نموده و در آن منزل کردند. از همین رو می گوید:

و جَاءَ بَاقِي لَفْظَتَهُ دَارًا وَ أَقَاقِي يَحْمِلُهَا أَثَامَهُ

ترجمه: فراری و دربدرهایی را آورد که خانه شان آنان را بدور افکند و گناهان و خطاها دربرشان گرفت

أَبَاحَ لَهُ عَلَى كَيْدِ جَنَاهَا وَ شَاطِرَهُ عَلَى حُبِّ مَدَامَهُ

ترجمه: با مکر و حيله که مرتکب می شود، [خیرات و برکات فلسطین را] بر او [صهیونیست ها] مباح کرده و بر پلیدی شراب با او سهیم گشته است.

و عِلْمَهُ الرَّمَايَةَ وَ اجْتَبَاهُ فَسَدَّدَ فِي مَقَاتِلِهِ سَهَامَهُ! (همان/399)

ترجمه: و تیراندازی را به او آموخت و او را برگزید، پس او [صهیونیست] در میدان کشتار تیرهایش را محکم کرد.

شاعر سپس از دشمنان ددصفت شرق یاد کرده و چنگ و دندانی را که برای تاراج سرزمین های مشرق زمین گشوده اند، وصف می کند و خونخواری آنان را خاطر نشان ساخته و فرزندان مشرق زمین را به تدارک بر رویارویی حوادث روزگار فرا می خواند و از مسالمت جویی با دشمن بر حذر می دارد و می گوید:

حَمَاهُ الشَّرْقُ، كَمْ فِي الْغَرْبِ بَاغٍ عَلَيْهِ أَذَاقُهُ بَطْشًا وَ سَامَهُ

ترجمه: ای مدافعان مشرق زمین! چقدر متجاوز در غرب است که زور و دشواری را بدان چشانده باشد.

و کم ایدِ علیه مجرداتٍ مخالف کاسرِ یبغی التهامه

ترجمه: چه دستانی بی چنگ و مشت که چنگال درندگان فرو بردنش را می جوید.

ذئابٌ حولَ جنتِهِ تعاوی كأنَّ بِهَا إلی دمه نَهامه

ترجمه: گرگانی که اطراف بهشت زوزه می کشند، گویا سخت اشتهای خونش را دارند.

فهزوه صوارمَ مشرعاتٍ تشقُّ بکلِّ مُعترکٍ زحامه

ترجمه: پس با شمشیرهای برنده ای که ازدحام میادین را می شکافد، تکانش دادند.

هوالسيفُ الاصمُّ إذا تغنى صغا متجبرٌ و وعی کلامه

ترجمه: آن شمشیر سخت است، هنگامی که به صدا در می آید، انسان جبار گوش می دهد و کلامش را درک می کند.

اعدوا حدّه لصراعٍ دهرٍ صریعُ الوهمِ من یرجو سلامه! (همان / 400)

ترجمه: تیزی اش را برای درگیری زمانه آماده کردند، هر کس که آرزوی سلامت داشته باشد، زمین خورده او هام است.

باید دانست که مهاجرت یهودیان به سرزمین اشغال شده، رمز موفقیت پروژه ی صهیونیسم در برپایی کیان صهیونیستی بود و رویارویی با مهاجرت و اسکان یهودیان به منزله ی اعلام جنگ با انگلستان و فرانسه و کشورهای حامی اعلامیه ی بالفور شمرده می شد، از همین رو آن کشورها با کلیه ی اقداماتی که در راستای جلوگیری از سیاست های تحت الحمایگی صورت می پذیرفت و یهودی سازی فلسطین را به تأخیر می افکند، برخورد می نمودند. اقدامات آنان شامل تعقیب و دستگیری نیروهای انقلابی در همه ی سرزمین های تحت سلطه ی قیمومیت در طول سال های بین جنگ اول و دوم نیز بود. از آن رو که آنان خطری برای امنیت برنامه های استعمارگران در مناطق تحت سلطه شمرده می شدند.

6-2- توسل به تعصب عربی و امید به بیداری در قصیده ی «یوم الملتقی»

علی محمود طه این قصیده را در 64 بیت در دفتر شعری «صفحات من حب» آورده و در آن از تأسیس سازمان جامعه ی عرب که با حضور رهبران کشورهای عربی در 1944م تشکیل گردید، استقبال نموده و با ذکر افتخاراتی که در تاریخ تبار عربی برجای مانده، به آرزوهای مشترک مردم عرب اشاره می کند و سرانجام به قضیه ی ناگوار فلسطین می پردازد.

شاعر قصیده اش را با وصفی شورانگیز آغاز کرده و سپس با افتخار از روز کنفرانس عربی که شرکت کنندگانش را به بیداری می ستاید، یاد می کند و آنگاه مردم عرب تبار را مخاطب ساخته و از تاریخ باشکوه شان که مرزهای کشورهای عربی را نمی شناخت و روحیه ای که از شرق سرزمین مسلمانان تا غرب و اسپانیای اسلامی امتداد داشت، سخن می گوید. او در ادامه مخاطبانش را از وعده ی دروغین صلح طلبی که مبارزات حق طلبانه ی مردم شرق عربی مشکوک می سازد برحذر داشته و در وصف بلبشوی جهان معاصر می گوید:

و الكون ملحمه کبری جوانبها دم و نار و اعصار و ظلماً

ترجمه: دنیا پر از حماسه ی نبرد است و در اطراف و اکناف خون می جوشد و آتش می بار و تنگی می فشارد و تاریکی هراس آور است.

علی محمود طه سپس به تکنولوژی مدرن و سازه های جنگی هوانوردی که ابزار شرارت استعمار قرار گرفته، اشاره می کند و می گوید:

و زاحفات من الفولاذ قد هُصرت من ثقلهن لصدر الارض احناء

ترجمه: و آلاتی فولادین که می پرند و از سنگینی شان سینه و پهلوی زمین شکسته شده است.

ان صعدت فالجبال الشم هاویه او عربدت فالصخور الصم اشلاء

ترجمه: اگر بالا رود، کوههای سربه فلک فرو می ریزند اگر نعره زند، صخره های نخراشیده خرد گردند.

لم یخل من شرها ماء و یابسه او تنج من غدرها غاب و صحراء(همان / 316)

ترجمه: از شرارتش آب و خشکی در امان نیستند و بیشه و بیابان از مکرش رها نباشد.

شاعر آنگاه به ذکر گردهمایی جامعه ی عرب باز می گردد و در ستایش آن جمع داد سخن داده و با اشاره به روحیه ی اخوت شرقی به شرایط دشوار سرزمینی که در حوادث تلخ روزگار بی سلاح مانده، می پردازد و می گوید:

فاقضوا حقوقَ آخاءٍ تستجیرُ به اخت لکم فی صراعِ الدهرِ عزلاً

ترجمه: پس حقوق برادری را در حق خواهری بجا آورید که در نبرد روزگار بی سلاح مانده است.

او طعام فلسطین را که گرسنگی و آتش را که درد و رنج است، خاطر نشان ساخته و از آن بسان جسمی که با آمیزه ای از اشک و خون حرکت می کند، یاد می کند و سرانجام به صراحت از فلسطین نام می برد و در موردش حق برادری را از جامعه ی عرب می طلبد و می گوید:

هدی فلسطینُ أو هدی روایتها ماذا تقولون إن لم يحسم الداءُ

ترجمه: این فلسطین است و این داستانش، چه می گوئید گر درد پایان نیابد.

تطلعت لکم و لهی أ لیس لها علی یدیکم من العلات ابراءُ؟

ترجمه: پریشان بر شما ظاهر شده، آیا در دستان تان از دردهایش درمانی نیست؟

حملتُم العهدَ فیها عن ابوتکم ان البنینَ لحملَ العهدِ اکفاءً(همان/317)

ترجمه: در موردش از گذشتگان عهد و پیمان برگرفتید، خاطر نشان می کنم که پسران در برداشتن پیمان لایقند. حقیقت آن است که طرح تأسیس جامعه ی عرب به سبب حساسیت استعمار پیر در برابر جنبش های آزادی خواهی عربی شکل گرفت و مصر در راستای تأسیس آن پیشقدم گردید و سپس عراق و عربستان و لبنان و اردن در 7 اکتبر 1944م بدان پیوستند و اساسنامه ی آن در 12 مارس 1945م تأیید شد و قضیه ی فلسطین به عنوان پیوست به اساسنامه ضمیمه گشت و در آن تنها بر تعیین نماینده ای از فلسطین به منظور مشارکت در جامعه ی عرب تأکید گردید و موضعگیری صریح و روشنی علیه اقدامات صهیونیستی اعلام نشد و قضیه ی اشغال فلسطین در اولویت منافع دولت های عربی قرار نگرفت. (شوفانی/494)

3- نتیجه گیری

یکی از پدیده های نوظهور قرن بیستم ملی گرایی عربی بود که در راستای رشد اندیشه ی ملی گرایی در دنیا شکل گرفت و با اقدامات استعماری کشورهای غربی در سرزمین های بجا مانده از فروپاشی امپراطوری عثمانی دامن گسترده و بسیاری از فرهیختگان و اهل قلم مسلمان را به رویارویی با برنامه های استعمار فراخواند. در همین راستا علی محمود طه اشعاری را با ایده ی وحدت خاورمیانه عربی و توجه به نیرنگ کشورهای استعمارگر به نظم کشیده و در آن ها به بیان دغدغه اش درباره ی سرنوشت فلسطین پرداخته است.

این اشعار که در زمره ی نخستین سروده های متعهد قرن اخیر درباره ی دیار اشغال شده ی مسلمانان است، با رویکرد سیاسی و ملی گرایی عربی شاعر به حوادث ناگواری می پردازد که در فلسطین رخ داد و ابرمردانی را می ستاید که در برابر فاجعه اشغال قلب دنیای اسلام پایداری نمودند.

علی محمود طه در این قصاید در راستای تحریک عواطف و دعوت به پایداری در برابر اشغال فلسطین از دو روش بهره مند شده است:

- 1- ذکر حوادث تلخ و مشکلات وارده بر ساکنان اصلی فلسطین ضمن بیان سیاست های بد شگون دولت های استعمارگر در دوره ی تحت الحمایگی فلسطین که به رویداد اشغال و تجزیه ی فلسطین انجامید .
 - 2- بیان صریح رویدادهای ناگواری که باعث کشتار و آوارگی مردم فلسطین گردید و تعقیب و تبعید و مرگ مبارزان دلاور وطن را در پی داشت و در قصیده ای با عنوان «یوم فلسطین» آمد.
- چنان که شاعر مضامین ذیل را همسو با پایداری در قصاید «الی ابناء الشرق، من الاعماق، عوده المحارب، یوم الملتقی» ذکر نموده است:

- 1- بیان مشکلات فلسطینیان در اثر جنگ افروزی غرب در خاورمیانه ی عربی
- 2- دعوت به مقاومت با فراخوانی وطن پرستان عرب در برابر چشمداشت بیگانگان به سرزمین های اسلامی
- 3- تحریک روحیه ی شرقی در رویارویی با اشغال فلسطین و کشتار مردم

5- توسل به تعصب عربی و امید به بیداری ملت عرب بر پایه ی آزادی خواهی و شجاعت در برابر بیگانگان بدین ترتیب ملاحظه می شود که اشعار سیاسی علی محمود طه شامل اطلاع دقیق شاعر نسبت به حوادث نیمه ی اول قرن بیستم بوده و از تیزبینی و درایت وی در تشخیص دردها و آلام مردم مظلوم فلسطین که به ناحق از سرزمین شان کوچانده شده و یا در خاک و خون غلطیدند، برخوردار گردیده است. در واقع علی محمود طه با اشعار سیاسی اش در دوران قیمومیت انگلستان بر فلسطین (1920-1948م) قدمی بلند در اظهار واقعیت های تلخ اشغال فلسطین برداشت و با استمداد از تعصب عربی و روحیه شرقی مضامینی از جنس پایداری برجای نهاد که پس از وی در ادبیات مقاومت ملت فلسطین رخ نمود.

کتابنامه

- ابوحاقه، احمد، 1979م، الالتزام فى الشعر العربى، اول، بيروت، دارالعلم للملایین
- جرار، حسنى ادهم، 1992م، شعب فلسطين امام التآمر البريطانى و الكيد الصهيونى، عمان، دارالفرقان
- ،، 1995م، نكبه فلسطين عام 1947-1948م، عمان، دارالفرقان
- شكيب انصارى، محمود، 1384ش، تطور الادب العربى المعاصر، چهارم، اهواز، دانشگاه شهيد چمران
- شوفانى، الياس، 1998م، الموجز فى تاريخ فلسطين السياسى، دوم، بيروت، مؤسسۀ الدراسات الفلسطينيه
- ضيف، شوقى، 1959م، دراسات فى الشعر العربى المعاصر، مصر، دارالمعارف
- طه، على محمود، 2001م، شرح ديوان على محمود طه، تحقيق محمد نبيل طريفى، بيروت، دارالفكر العربى
- الفاخورى، حنا، بى تا، الجامع فى تاريخ الادب لعربى - الادب الحديث، بيروت، دارالجيل
- كنفانى، غسان، 1986م، الادب الفلسطينى المقاوم تحت الاحتلال، بيروت، مؤسسۀ الدراسات الفلسطينيه
- لوتسكى، ولاديمير باراسوويچ، 1379ش، تاريخ جديد كسورهاي عربى، ترجمه رفيع رفيعى، تهران، علمى فرهنگى
- هداره، محمد مصطفى، 1994م، بحوث فى الادب العربى الحديث، بيروت، دارالنهضة العربيه